

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محاق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

یادداشت‌های لغوی و ادبی (۸)

درباره «ایش» و «ایش‌شاءالله» و «ایشالا»^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران | آریا طبیب‌زاده

| ۱۶۱ - ۱۵۱ |

۱۵۱

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

چکیده: در این یادداشت ابتدا به ذکر شواهدی از لغت عربی «ایش» (= ای شئی، چه، چه چیز) در متون کهن عربی و فارسی و گویش‌های عربی معاصر می‌پردازیم و اشاره‌ای نیز به اشتقاق آن می‌کنیم. سپس استدلال می‌کنیم که عبارت عامیانه «ایشالا» در فارسی گفتاری ربطی به صورت رسمی «ان شاء الله» ندارد، بلکه صورت شکسته عبارت «ایش‌شاء الله» (= هر چه خدا بخواهد) است که در بعضی متون کهن فارسی - به‌طور خاص در مثنوی معنوی مولوی - به‌کار رفته و در آن لغت «ایش» نیز دیده می‌شود. اگرچه صورت «ایش‌شاء الله» به فارسی امروز نرسیده، صورت شکسته و عامیانه آن، یعنی «ایشالا»، در فارسی معاصر حفظ شده است. بنابراین، «ایشالا» با صورت گفتاری «انشالا» (که خود صورت شکسته «ان شاء الله» است) ارتباطی ندارد و لغتی متفاوت است. درنهایت، باتوجه به اینکه در هنجارهای معیار عربی کلاسیک، صورت «ایش» چندان معمول نبوده، این لغت و همچنین عبارت «ایش‌شاء الله» و صورت شکسته «ایشالا» در فارسی را باید دخیل از گونه‌های عربی پیراکلاسیک (para-Classical Arabic) - یعنی گونه‌های عربی متشخص غیر کلاسیک در قرون میانه - یا دخیل از هنجارهای متقدم و آسان‌گیرتر عربی کلاسیک دانست.

کلیدواژه‌ها: ایش؛ ایش‌شاء الله؛ ایشالا؛ ان شاء الله؛ انشالا؛ عربی پیراکلاسیک؛ عربی کلاسیک؛ عربی در فارسی

Linguistic and Literary Notes (8): Ayš, Ayš Šā' Allāh, and Iššālā: on an Arabic word occurring in Arabic and Persian texts

In this note, I first present evidence for the Arabic word 'yš' 'what,' in early Arabic and Persian texts, as well as in modern Arabic dialects, and briefly discuss its etymology. I then argue that the colloquial expression išālā 'if God wills, I hope God wills' in spoken Persian is etymologically unrelated to the formal expression in šā' Allāh ('if God wills') in Persian, but is instead the contracted form of iš šā' Allāh, eš šā' Allāh / ayš šā' Allāh ('whatever God wills'), an expression attested in some early Persian texts—particularly in Rumi's Masnavi-ye Ma'navi. Although the form iš šā' Allāh has not survived into modern Persian, its colloquial contracted form iš(š)ālā, has been preserved in contemporary Persian. Thus, išālā is etymologically unrelated to the spoken form enšālā in Persian (itself a contracted form of in šā' Allāh) and represents a distinct lexical item. Finally, given that the form ayš/ayšin/eš was relatively uncommon in Classical Arabic, this word, as well as the expression iš šā' Allāh and its contracted form iššālā in Persian, should be regarded as borrowings from para-Classical varieties of Arabic—that is, prestigious non-Classical varieties of Arabic in the medieval period—or as borrowings from earlier, non-normative Classical Arabic.

Keywords: ayšin; ayš; eš; eš šā' Allāh; išālā; in šā' Allāh; enšālā; para-Classical Arabic; Classical Arabic; Arabic in Persian

۱. تا آنجا که نگارنده جستجو کرده و اطلاع دارد، تاکنون به‌طور مستدل به ارتباط لفظ عامیانه «ایشالا» به «ایش‌شاء الله» اشاره نشده است، هرچند بعید نیست که این موضوع موردتوجه اهل فن بوده باشد، خاصه باتوجه به ذکر عبارت «ایش‌شاء الله» در مثنوی مولوی، و درک صحیح معنای این عبارت توسط مثنوی‌پژوهان (مثلاً ر. ک. شهیدی ۱۳۸۶، ۴۵۱). بااین‌حال، باتوجه به نشر مطالب بی‌پایه و غیر علمی در فضای مجازی درباره معانی الفاظی چون «ایشالا»، «انشالا» و... لازم دانستیم تا در این مطلب به شکل مستدل از این موضوع بحث کنیم.

«ایش» و شواهد آن در متون عربی

از متداول‌ترین لغات در لهجات معاصر عربی، کلمهٔ استفهامی «ایش» است به معنای «چه»، «چه چیز» (با تلفظ معمول «ēš»)، اما همچنین با صورت‌هایی متفاوت مثل «أیش»، «آش»، «آش»، «ایش»، «ویش» (wyaš/wēš) و... در بعضی گویشها^۱. لغات دیگری نیز با این لغت پرسشی ساخته شده که شاید مشهورترین آنها «لیش» (lēš) (لِ + ایش = برای چه، چرا) است. اما «ایش» لغتی خاص لهجات معاصر نیست، و شواهد متعدد و کهنی در متون عربی کلاسیک دارد، که در آنها به صورت‌های «أیش»، در مواردی «أیش»، و حتی احتمالاً در بعضی موارد «ایش» (ēš) تلفظ می‌شده است^۲. لغت مذکور در واقع صورتی شکسته^۳ یا کوتاه‌شده بوده که معادل آن در عربی کلاسیک عبارت «ای شئی» (= چه چیز) است^۴. اگر انتساب جملهٔ «ایش صناعتک» (=

۱. برای بحث مفصل ر.ک. فیشر (Fischer) ۱۹۰۵؛ نیز ر.ک. بینشت (Behnstedt) ۲۰۱۶، ۱۶۸-۱۶۹؛ وودهد (Woodhead) ۱۹۶۷، ۲۱؛ هایندس و بدوی (Hinds and Badawi) ۱۹۸۶، ۴۶؛ پیکر ویکو (VICAV; Vienna Corpus of Arabic Varieties)، ذیل ریشهٔ «yš»^۲). همچنین، چنانچه خواهیم دید، صورت‌های دیگری در لهجات معاصر نیز چون «شو» و «شنو» (در همان معنای «چه، چه چیز») از حیث لغوی با «ایش» مرتبط است.

۲. صورت اخیر همان صورت رایج در بسیاری از لهجات معاصر عربی بوده، و حاصل فرایند بسیار کهن ساده‌سازی مصوت‌های مرکب در گونه‌های عربی است، فرایندی که اثر آن در عمدهٔ لهجات معاصر عربی دیده می‌شود، و شاید پیشینهٔ آن را - دست‌کم در مورد مصوت مرکب «ay» - بتوان حداقل به قرن چهارم ق. برگرداند (در این باره ر.ک. طبیب‌زاده ۱۴۰۰، ۱؛ همو (Tabibzadeh) زیر چاپ). طبعاً در متون کهن عربی غیر کلاسیک نیز صورت‌های متفاوت دیگری نیز دیده می‌شود، مثلاً «ایش» در متون عربی به اصطلاح «میانه» (Middle Arabic) (ر.ک. بلاو (Blau) ۲۰۰۲، ۱۷۸؛ برای بررسی و نقد اصطلاح «عربی میانه» ر.ک. استوکس (Stokes) ۲۰۲۱؛ ۲۰۲۳).

3. Contracted form.

۴. تبیین دقیق اشتقاق «أیش/أیش» در متون قدیم و صورت کهن‌تری که از آن تحول یافته بسیار مشکل است. باید توجه کرد که از حیث روش‌شناختی کاملاً ناصحیح است اگر هر صورت غیر کلاسیکی را در لهجات قدیم یا جدید عربی لزوماً مبداً از صورت رایج در عربی کلاسیک بدانیم. در این مورد خاص نیز، توجیه تحول صورت کلاسیک «ای شئی» به «أیش» بسیار مشکل است؛ اولاً باید تعیین شود که آیا جزء «ای» در «ایش» از ابتدا اعراب می‌گرفته، و اگر چنین بوده، حذف اعراب آن در کدام مرحله از تحول اتفاق افتاده است، یا اینکه اصلاً از ابتدا بدون اعراب در ترکیب «ایش» حل شده است. ثانیاً توجیه تحول «شئی» به «ش» یا «شش» بسیار دشوار است، زیرا هیچ قاعدهٔ آوایی برای توجیه آن نمی‌توان یافت. به نظر بنده بهترین راه این است که صورت کهن‌تری را که «ایش» از آن تحول یافته، «ای شئی» در نظر بگیریم، به شرط آنکه جزء «شئی» را در آن نه به صورت معمول «شئی» (بر وزن فعل) در عربی کلاسیک، بلکه به صورت «شئی» (بر وزن فعل) یعنی بصورت šī در نظر بگیریم که در بسیاری از لهجات قدیم و جدید عربی رایج بوده است، مثلاً در حجازی باستان (احتمالاً)، عربی بیروت، عربی بغداد، و عربی دمشق (ر.ک. الجلال (Al-Jallad) ۲۰۲۱؛ وودهد (Woodhead) ۱۹۶۸، ۲۵۴؛ لارش (Larcher) ۲۰۰۳-۲۰۰۲؛ لارش (همان) پیش‌تر به این راه حل اشاره کرده است). با این راه حل، می‌توانیم با بگوئیم که ابتدا همزهٔ پایانی از «شئی» حذف شده، که فرایندی بسیار رایج در لهجات قدیم و جدید عربی بوده است؛ ر.ک. طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ سپس تبدیل «ای شئی» به «أیش» و «أیش» را از طریق قاعدهٔ آوایی معمول در اسماء منقوصه در بسیاری از گویش‌ها می‌توانیم توجیه کنیم (قس. فانی/فان / فان؛ صافی/صاف/صاف). قرینه‌ای که می‌تواند مؤید این راه حل باشد حفظ تنوین عوض از حرف در «أیش»، به صورت جزئی از خود کلمه، در صورت‌هایی از این لغت در بعضی گونه‌های کهن و جدید عربی غیر کلاسیک است، مثل ایشن، ایشن (ر.ک. فیشر ۱۹۰۵) و حتی صورت‌هایی در لهجات معاصر مثل شنو (šnu > ایشن هو = چیست آن؛ قس. شو > ایش هو، ر.ک. فیشر

پیشه‌ات چیست؟) به عمر بن خطاب که در تاریخ طبری (طبری ۱۸۹۳، ۲۷۲۲/۴) از قول عمر حین پرسش از ابولؤلؤ در باب شغل او آمده صحیح باشد، قدیم‌ترین شاهد شناخته شده از این لغت در متون عربی خواهد بود و قدمت آن به سال ۲۳ ق. برمی گردد؛ اما از این شاهد که البته به صحت روایت یا امانت در نقل آن نمی شود اعتماد کرد، بگذریم، شواهد متعددی از این لغت در اشعار و آثار عربی پس از نیمه دوم قرن دوم ق. آمده، که از قضا، بسیاری از آنها مربوط به توضیحاتی است که لغویون در باب همین لغت داده‌اند (فیشر ۱۹۰۵ شواهد متعددی گردآورده است)؛ ما در اینجا فقط بعنوان نمونه، دو بیت از ابونواس (قرن دوم ق.) را نقل می کنیم که اولی از روایت حمزه اصفهانی (قرن چهارم ق.) است و دومی از روایت حمزه و ابوبکر صولی (قرن چهارم ق.) (ابونواس ۱۹۷۲-۲۰۰۶، ۱۰۱/۲):

أُنشَدَنِي مُحَمَّدٌ شِعْرًا لَهُ / فَقُلْتُ: شِعْرًا قَالَ لِي: فَأَيْشٍ^۱

محمود برای من شعری از خویش خواند، پس گفتم [باز] شعری [بسرای]؛ مرا گفت: چه چیز [بسرایم]؟
 أَنْتَ نَفْسِي كَيْفَ اطَّرَحْتَ امْتَدَاحِي^۲ / فِيمَ يَا سَيِّدِي وَذَاكَ لِأَيْشٍ
 تو جان منی! چگونه ثنای مرا [در باب خودت] رد و انکار کردی؟ به چه سببی ای آقای من! این از
 بهر چراست؟

از ضبط لغت «ایش» در نسخ خطی عربی^۳، و خصوصاً از بیتی منسوب به قیس عامری منقول در الاغانی ابوالفرج اصفهانی (قرن سوم و چهارم ق.) (۱۴۲۹ ق.، ۲۵/۲؛ نیز ر.ک فیشر ۱۹۰۵)، و

۱۹۰۵). باید توجه کرد که عمده گویش‌های متأخر مذکور، تنوین را به عنوان عنصری تصریفی فعال از دست داده‌اند و تنوین در صورتی همچون «ایشن» به جزئی از خود لغت تبدیل شده است (قس. لغت کاتین > کای در حجازی باستان که تنوین را بعنوان عنصر تصریفی فعال از دست داده بوده است و در «کاین»، تنوین را به عنوان جزئی از خود کلمه حفظ کرده است؛ ر.ک فان پوتن و استوکس (van Putten and Stokes، ۲۰۱۸؛ فان پوتن (van Putten، ۲۰۲۱، ۲۸۱). بدیهی است که با این توجیه، صورت‌هایی مثل ایش و شو در لهجات معاصر، باقیمانده یا تحول یافته از صورت فاقد تنوین «ایش» است (از دوست و استاد گرامی آقای دکتر مارین فان پوتن (Professor Marijn van Putten) بسیار سپاسگزارم که توجه بنده به این قرینه در گویشهای معاصر در بحث از اشتقاق «ایش» جلب کردند).

۱. در تصحیح اوالد واگنر (ابونواس، همان) «فایش» با همزه قطع ضبط شده، اما از ابیات دیگر بیت (همان، ۱۰۲/۲) روشن می شود که وزن بیت سریع مکسوف و مطوی العروض اصلم الضرب است (یعنی مستفعّلن مستفعّلن فاعلن / مستفعّلن مستفعّلن فَعْلُنْ)؛ و بنابراین ضبط واگنر از حیث وزنی ناصحیح است، و قافیه بیت اول را باید بصورت «فَیْشِی» خواند، نه «فَآیْشِی» (ر.ک قهرمانی مقبل ۱۴۰۴، ۱۹۲-۱۹۳).

۲. شطر اول در روایت صولی فرق دارد (ر.ک ابونواس همان، قسمت نسخه بدل در پانوشته‌ها)؛ رشد نفسی کیف استجزت اطراچی (ای مایه هدایت و سامان جانم! چگونه طرد و انکار مرا روا داشتی؟! که از حیث معنا روان تر است).

۳. مثلاً ر.ک ابونواس بی تا (حدود نیمه اول قرن پنجم ق.)، ۲۸؛ نیز ر.ک فیشر ۱۹۰۵.

۴. بیت چنین است: قالت جُننَتْ علیَّ اَیْشٍ فَقُلْتُ لَهَا/ الْحُبُّ اعْظَمُ مِمَّا بِالْمَجَانِنِ (مرا گفت که بر چه چیز شیدا و دیوانه گشتی؟ او را گفتم: عشق عظیم تر و صعبت تر است از آنچه دیوانگان بدان دچارند)؛ مطابق وزن، «ایش» قطعاً و مسلماً باید با تنوین تلفظ شود.

نیز قراین دیگری -از جمله توضیحات لغویون سنتی در باب این لغت (ر.ک فیشر همان) و شواهدی از گویش‌های معاصر عربی (ر.ک توضیحاتی که در پانویشت درباره اشتقاق «ایش» آمد)- روشن می‌شود که حداقل یک تلفظ این لغت در متون عربی کلاسیکی که لغت در آنها ذکر شده «ایش» بوده است. اما همانطور که فیشر (همان) بیان کرده، احتمالاً وجود صورت بدون تنوین «ایش» (و حتی شاید با الف ممال به صورت «ایش» ēš) نیز در متون کلاسیک نامحتمل نیست^۱؛ زیرا چنانکه در ادامه خواهیم دید، صورت فاقد تنوین پیش از قرن هفتم ق. (و احتمالاً از قرن پنجم ق.) در متون فارسی وارد شده است (گرچه که این صورت را در متون فارسی می‌توان همانند بسیاری از وامواژه‌های عربی دیگر، دخیل از گونه‌های غیر کلاسیک عربی نیز دانست؛ ر.ک طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو زیرچاپ). اما اصلاً فارغ از اینکه تلفظ «ایش» چه باشد، اساساً تعلق این صورت شکسته به عربی کلاسیک موضوعی مورد بحث و اختلاف محققان بوده است. آوگوست فیشر (۱۹۰۵، ۸۱۳) به درستی و با بصیرتی ستودنی، ضمن اشاره به نظرات بعضی شرق‌شناسان همچون نولدکه در باب خارج بودن لغت «ایش» از دایره «عربی کلاسیک» (به تعبیر سنتی: عربی فصیح/فصحی)، استدلال می‌کند که مرزهای کلاسیک بودن، چه در عربی، چه در زبانهای دیگر جهان، سیال و غیر ثابت است^۲، و تلویحاً روش سنتی را در باب تعیین مرزهای قاطع و ثابت برای عربی کلاسیک آنهم بعنوان تنها گونه رسمی و مشخص عربی در همه ازمینه و امکان رد می‌کند^۳؛ فیشر همچنین با استناد به برخی آرای لغویون مثل کسائی، ابن درستویه و ابن یعیش (فیشر همان، ۸۱۴-۸۱۵) نشان می‌دهد که از منظر این لغویون، «ایش» صورتی متداول در میان عرب بوده و آنان مشکلی با استعمال آن در زبان نداشته‌اند. البته، مسلم است که کاربرد کم این لغت در متون عربی کلاسیک و غلبه لغت استفهامی «ما» مبین تعلق «ایش» به

۱. هم فرایند حذف تنوین و هم ساده‌سازی مصوت‌های مرکب (خصوصاً مصوت مرکب «ay») در عربی فرایندهایی بسیار کهن است که اولی از قرن‌ها پیش از اسلام، و دومی نیز احتمالاً حداکثر از قرن چهارم به بعد در بسیاری از گویش‌ها رخ داده است (ر.ک استوکس ۲۰۱۷؛ همو ۲۰۲۰؛ فان پوتن و استوکس (۲۰۱۸)؛ الجلا و فولانت ۲۰۲۰؛ الجلا ۲۰۲۱، ۳۱-۳۸ و جاهای دیگر؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو زیرچاپ).

2. Nach Nöldeke ... ist nicht "eigentlich klassisch". Man wird ihm zustimmen können, sofern man dabei nicht vergießt, daß auch im Arabischen, wie überall in der Welt, die Grenzen des Begriffs klassisch fließend waren.

"براساس [نظر] نولدکه، «ایش» به معنای واقعی کلاسیک نیست. البته می‌توان با او موافق بود، اما به شرط اینکه فراموش نکنیم که در [مورد] عربی، همچون [دیگر زبانهای] جهان، مرزهای مفهوم «کلاسیک» سیال و ناپایدار بوده است.

۳. روشی ناصحیح و بسیار مخرب که دهه‌ها و بلکه سده‌ها در مطالعات زبان عربی و حتی مطالعات زبان فارسی شایع بوده و تازه امروز انتشار برخی تحقیقات جدید موجب کنار رفتن آن شده است (مثلاً ر.ک فان پوتن (van Putten) ۲۰۲۱؛ الجلا و فولانت (Al-Jallad and Vollandt) ۲۰۲۰؛ استوکس (Stokes) ۲۰۲۱؛ همو ۲۰۲۳؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو (Tabibzadeh) زیرچاپ).

هنجارهای آسان‌گیرتر و متقدم‌تر عربی کلاسیک است و در روند تدریجی و مستمر معیارسازی عربی کلاسیک در طی قرون (ر.ک طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو زیرچاپ؛ فان پوتن ۲۰۲۱، ۱۵-۲۶، ۲۷، ۹۷، ۲۲۷-۲۳۰)، بسیاری از هنجارهای عربی کلاسیک این لغت را از دایره فصاحت بیرون گذاشته‌اند؛ بااین حال، همانطور که «ایش» امروز در لهجات امروز عربی بسیار رایج است و حتی گاه به گونه رسمی نیز راه پیدا می‌کند، می‌توان با اطمینان گفت که در گذشته نیز، این صورت شکسته در بسیاری از گونه‌های «پیراکلاسیک»^۱ کاربرد داشته و از این طریق گاه به متون کلاسیک نیز راه پیدا می‌کرد.

«ایش» در متون کهن فارسی

در فارسی نیز، «ایش» از گونه‌های عربی پیراکلاسیک یا شاید همچنین از طریق هنجارهای متقدم و سهلگیر عربی کلاسیک، به صورت لغتی دخیل یا به صورت جزئی از عبارت‌های عربی وارد متون کهن شده است. تا آنجا که نگارنده بسته است (جستجوی شخصی و نیز پیکره دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی^۲)، کهن‌ترین شاهد استعمال این لغت در متون فارسی متعلق است به متن قرن پنجمی ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم (۱۳۷۵، ۲۵۱؛ همو ۸۰۶ ق.، ۹۲۹) که «ایش» در آن به صورت لغتی دخیل آمده است (متن براساس یگانه نسخه خطی متن):

بدانک مسئله اندر چیزها و بر چهار چیزست: یکی ایش و دوم کم و سیم کیف و چهارم این^۳... اما ایش از طالع و کم از چهارم و کیف از هفتم و این از دهم.

تلفظ «ایش» در شاهد فوق روشن نیست؛ زیرا در یگانه نسخه خطی متن نامشکول ضبط شده است؛ اما باتوجه به شواهد دیگری که خواهیم دید، به ظن قوی، تلفظ این لغت بدون تنوین بوده است و ممکن است مصوت آن مصوت مرکب «ay» یا مصوت ساده «ē» بوده باشد (دراین باره، ر.ک توضیحات سطور قبل).

۱. Para-Classical Arabic. این اصطلاح را نخستین بار، فیلیپ استوکس (۲۰۲۱) ابداع کرد برای اشاره به گونه‌های عربی‌ای که از قرون نخستین اسلامی تا پیش از جریان فرهنگی النهضة در قرون سیزدهم و چهاردهم ق. دارای میزانی تشخیص بودند اما به آن گونه‌های عربی که از حیث تعریف زبان‌شناختی و متن‌شناختی ذیل اصطلاح «عربی کلاسیک» قرار می‌گیرند، تعلق نداشتند (ر.ک همو ۲۰۲۳؛ همچنین ر.ک طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو ۱۴۰۴؛ همو ۲۰۲۵؛ همو زیرچاپ)

2. Dadegan.apll.ir

۳. کم = چند؛ کیف = چون؛ و این = کجا.

غیر از ترجمه المدخل در حدود جستجوی ما در هیچ متن فارسی تا قرن هفتم ق. لغت «ایش» نیامده است.^۱ در قرن هفتم ق. اما، شواهد بیشتری از این لغت در قالب عبارات عربی مندرج در متون پیدا می‌شود؛ یکی از این شواهد بیت زیر در قصیده آمیخته^۲ سه‌زبانۀ فارسی-عربی-طبری قاضی هجیم منقول در تاریخ طبرستان است (ابن اسفندیار ۱۳۲۰، ۱۳۲/۱):^۳

قل فبئس القرین و باک مدار / لست تدری که ایش معناؤ^۴

در این بیت، از وزن کاملاً روشن می‌شود که «ایش» را بدون تنوین (یا āyā و یا ēš) باید تلفظ کرد. اما تعیین اینکه آیا مصوت مرکب در آن هنوز حفظ شده یا ساده شده ممکن نیست.

پس از این شاهد، باید به نسخه شماره ۲۲۳۹۶ کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) (بی‌تاریخ، اما احتمالاً کتابت شده در نیمه اول قرن هفتم ق.) اشاره کنیم که شامل بخشی از مجلد ششم و مجلد هفتم ترجمه تفسیر طبری است. در این نسخه لغت «ایش» در عبارت عربی «ایش اقرأ» (= چه بخوانم؟) از قول پیامبر (ص) در تفسیر سوره علق آمده است، که البته در این مورد با لغت دخیل در فارسی سر و کار نداریم. (ترجمه تفسیر طبری بی‌تا، ۱۶۴). با توجه به نامشکول بودن این شاهد نیز نمی‌توان به قطعیت درباره تلفظ آن نظر داد ولی به نظر ما بدون تنوین تلفظ می‌شده است.

نهایتاً باید به مهم‌ترین شواهد لغت ایش در فارسی اشاره کنیم؛ یعنی مواضعی که مولوی در مثنوی خود «ایش» را در عبارت «ایش شاء الله کان» (= هر چه خدا بخواهد بودنی است) به کار برده است، مثل موارد زیر:

چونک خواه نفس آمد مستعان / تسخر آمد ایش شاء الله کان (مولوی ۱۹۳۳، ۱۸۷/۳)
 حاش الله ایش شاء الله کان / حاکم آمد در مکان و لامکان (همان، ۱۸۸/۳)

۱. این امر به احتمال زیاد ناشی از تفاوت متن ترجمه المدخل از حیث خاستگاه جغرافیایی، گونه زبان، و البته سنت‌های ادبی مؤثر بر متن با سنت متنی و ادبی رایج در نواحی خراسان و ماوراءالنهر است؛ زیرا باید توجه کرد که متون مناطق خراسان ظاهراً تحت تأثیر هنجارهای متفاوتی از عربی کلاسیک (و البته همچنین گویش‌های پیراکلاسیک) در مقایسه با متون نواحی عراق عجم در برهه زمانی نیمه دوم قرن پنجم ق. تا هفتم ق. بوده است (در این باب ر. ک. طبیب‌زاده (Tabibzadeh) زیر چاپ).
 ۲. شعر آمیخته (macaronic poetry) به اشعاری اطلاق می‌شود که در آن پاره‌هایی به زبان‌های مختلف در هم آمیخته باشد، یا اینکه عناصر واژگانی‌ای از یک زبان در درون دستگاه صرفی و نحوی زبانی دیگر قرار گیرد؛ ر. ک. پرمینگر و بورگن (Preminger and Borgan)، ۱۹۹۳، ۷۳۰؛ آرچیبالد (Archibald)، ۲۰۱۰؛ حرب (Harb)، ۲۰۲۰؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۴.
 ۳. قاضی هجیم پیش از تألیف تاریخ طبرستان (۶۱۳ ق.) درگذشته بوده، و حبیب برجیان (۱۳۸۸، ۵۲) با تردید او را از رجال قرن ششم ق. دانسته است؛ با این حال، ما احتیاطاً شاهد «ایش» در قصیده او را متعلق به همان قرن هفتم ق. دانسته‌ایم.
 ۴. ترجمه پاره‌های عربی: بگو بد قرینی است؛ نمیدانی که معنا [ایش] چیست.

قول بنده آیش شاء الله کان / بهر آن نبود که تنبل کن در آن (همان، ۱۹۹/۳)
چون بگویند آیش شاء الله کان / حکم حکم اوست مطلق جاودان (همان)^۱

در تمامی این شواهد، وزن به روشنی تلفظ بدون تنوین «ایش» را نشان می‌دهد؛ اما همچنان مرکب یا ساده بودن مصوت آن قابل تشخیص نیست (در اینجا مجال بررسی نسخ خطی دفتر پنجم مثنوی را نداشتیم).

در ادامه خواهیم دید که «ایش شاء الله» مثنوی در واقع عبارتی است که صورت شکسته آن به صورت «ایشالا» در فارسی امروز باقی مانده است.

ایشالا یا انشالا؟

امروزه در فارسی رسمی، لفظ خاص «استثنا» (= ان شاء الله گفتن به تعبیر قدما) تنها به صورت «ان شاء الله» تلفظ می‌شود؛ در حالیکه در فارسی گفتاری عمدتاً به دو صورت «انشالا» و «ایشالا» تلفظ می‌شود. طبیعی است که «ان شاء الله» در فارسی گفتاری به صورت «انشالا» دربیاید؛ همزه «شاء» چه در خود گویش‌های عربی چه در فارسی می‌توانسته افتاده باشد (ر.ک طیب‌زاده ۱۴۰۰؛ همو زیر چاپ)، و تبدیل «الله» به «الا» نیز تحولی رایج است (قس. ماشالا > ماشاء) الله؛ ایولا > ای والله). اما تحول «ان شاء الله» به «ایشالا» قدری عجیب است. شاید کسی بگوید «ایشالا» صورتی است مبدل از صورت گفتاری «انشالا» با همگونی ن < ش و البته با اشباع کسره قبل از نون به علت نامشخص. اما باتوجه به مطالب فوق درباره «ایش» و خصوصاً عبارت «ایش شاء الله» در مثنوی مولوی، نیازی به چنین تکلفی نیست. «ایشالا» را می‌توان براحتی صورت شکسته «ایش شاء الله» در نظر گرفت؛ باید توجه کرد که «ایش» در بسیاری از گونه‌های قدیم و جدید عربی با ساده شدن مصوت مرکب به صورت «ēš» تلفظ می‌شده است، و هیچ قرینه‌ای دال بر تعدر وجود این تلفظ در فارسی نیز وجود ندارد (اتفاقاً حذف تنوین در شواهد فارسی از این کلمه، نشان می‌دهد که

۱۵۸

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

۱. لغت دیگری نیز در مثنوی به صورت «بلاش» دیده می‌شود که آن را باید در معنی «به هیچ» در نظر گرفت؛ مثلاً: «رنج معقولات شود محسوس و فاش / تا نگیری این اشارت را بلاش» (مولوی ۱۹۳۳، ۲۲/۲). سید جعفر شهیدی (۱۳۸۶، ۳۷۷) این لغت را «بلاشی» معنی کرده است؛ اما ظاهراً میان «بلاش» و «بلاشی» ارتباطی نیست؛ «بلاش» را باید گروهی حرف اضافه‌ای شامل «به» و «لاش» در نظر گرفت؛ «لاش» لغتی است که در بسیاری از متون کهن فارسی در معنی «نیست»، «نابود»، «تباه» آمده و همچنین در عبارت «لاش کردن» نیز دیده می‌شود که معنای آن در فرهنگها «غارت کردن» ذکر شده (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل «لاش»). دهخدا (همان) لاش را لغتی «مرغزی» دانسته. باید در تحقیقی مستقل از ریشه این «لاش» بحث شود (اگر قبلاً شده، نگارنده اطلاع ندارد)؛ اگر واقعاً بتوان «لاش» و «بلاش» را صورت‌های شکسته «لاشی» و «بلاشی» دانست، اشتقاق آنها و نحوه تحول آنها دقیقاً همانند «ایش» عربی است.

فارسی‌زبانان از گونه‌های پیراکلاسیک و کمتر رسمی عربی این لغت را اخذ کرده‌اند و بنابراین، احتمال تلفظ آن با الف ممال بسیار زیاد است). در این صورت، اگر تلفظ ایش شاء الله را به صورت «ēš šā(-a)-llāh» در نظر بگیریم، کاملاً طبیعی است اگر از آن صورتی مثل «ēš šā-llā(h)» حاصل شود؛ صورتی که تنها خروجی آن پس از ادغام مصوت‌های «ī/ē» در «ī» در فارسی ایران از حدود قرن نهم و دهم ق. به بعد (ر.ک صادقی ۱۳۵۷، ۱۲۹-۱۳۲) می‌تواند صورت «ایشالا» باشد. بنابراین، ما پیشنهاد می‌کنیم که ایشالا در فارسی صورت شکسته «ایش شاء الله» است و ربطی به «ان شاء الله» و «انشالا» ندارد، گرچه که نهایتاً معنای این عبارات یکی است.

منابع

- ابن اسفندیار (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
- ابونواس، حسن بن هانی (۱۹۷۲-۲۰۰۶ م.). دیوان ابی نواس، تصحیح اوالد واگنر با همکاری گرگور شولر، ویسبادن: هاراسویتز.
- الاصفهانی، ابوالفرج (۱۴۲۹ ق.). کتاب الأغانی، تحقیق احسان عباس، ابراهیم السعافین و بکر عباس، بیروت: دار صادر.
- برجیان، حبیب (۱۳۸۸). متون طبری (ضمیمه آینه میراث)، تهران: میراث مکتوب.
- ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم (۱۳۷۵)، تصحیح جلیل اخوان زنجانی، تهران: میراث مکتوب.
- ترجمه تفسیر طبری (بی تا). نسخه شماره ۲۲۳۹۶، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی (ع).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷). تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). شرح مثنوی شریف، ج ۷، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۸۹۳ م.). تأریخ الرسل والملوک، تصحیح میخائیل یان دخویه، لایدن.
- طیب زاده، آریا (۱۴۰۰). «تقابل بین عربی فتوحات و عربی کلاسیک در متون متقدم فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۲۲/۱، ۹۵-۱۶۰.
- همو (۱۴۰۴). «یادداشت‌های لغوی و ادبی (۵): نکاتی درباره فارسیات ابونواس»، آینه پژوهش، ۲۱۳، ۲۵۹-۲۷۸.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۴۰۴). عروض و قافیه عربی، تهران: نشر نی.
- مولوی (۱۹۳۳ م.). مثنوی معنوی، ج ۳، لایدن: بریل.
- Al-Jallad, A. (2021). "The Digraph ى in the Quranic Consonantal Text and the Identification of a New Letter Shape for Final Hê in the 7th to 8th Century Arabic Script", *Al-'Uşûr al-Wusṭā* 29 (2021): 1-19.
- Al-Jallad, A. and Vollandt, R. (2020). *The Damascus Psalm Fragment: Middle Arabic and the Legacy of Old Ḥigāzī*, Chicago, University of Chicago, 2020.
- Behnstedt, P. (2016). *Dialect Atlas of North Yemen and Adjacent Areas*, Brill, Leiden
- Blau, J. (2002). *A Handbook of Early Middle Arabic*, Jerusalem: the Hebrew University of Jerusalem.
- Archibald, E. (2010). "Macaronic Poetry", *A Companion to Medieval Poetry* (ed. Corinne Saunders), Oxford: Wiley-Blackwell, p. 277-288.
- Fischer, A. (1905). "Arab آیش", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 59, 807-818.
- Harb, L. (2019). "Persian in Arabic Poetry: Identity Politics and Abbasid Macaronics", *Journal of the American Oriental Society*, 139/1, p. 1-21.

- Hinds and Badawi, *A Dictionary of Egyptian Arabic*, Beirut, Librairie du Liban, 1986.
- Larcher, P. (2002-2003). "'ayy(u) šay'in, 'ayšin, 'ēš : moyen arabe ou arabe moyen ?". *Quaderni di Studi Arabi*, 20-21, 63-78.
- Preminger, A. And Borgan, T. V. F. (1993). *The New Princeton Encyclopedia of Poetry and Poetics*, Princeton: Princeton University Press, 1993.
- Stokes, P. (2021). "In the Middle of What? A Fresh Analysis of the Language Attested in the Judaeo-Arabic Commentary on *Pirqe 'Āvōt* (the Sayings of the Fathers), Middle Arabic and Implications for the Study of Arabic Linguistic History", *Journal of the Semitic Studies*, 66/2 (2021), p. 379-411.
- Idem.* (2023). "Key to the Kingdom: Variations as a Key to Understanding the Arabic Gospel Manuscripts", *Al- 'Uṣūr al- Wusṭā*, 31 (2023).
- Tabibzadeh, A. (in press [2026]). "Perso-Arabica: Arabic Loanwords in Early Persian Texts: Different Origins, Different Norms). *Arabica*.
- Van Putten, M. (2021). *Quranic Arabic: From its Hijazi Origins to its Classical Reading Traditions*, Leiden, Brill, 2022.
- Van Putten, M. and Stokes, P. (2018). "Case in the Qur'anic Consonantal Text", *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 108 (2018), p. 143-179.
- Woodhead, (1967). *A Dictionary of Iraqi Arabic: Arabic-English*, Washington: Georgetown University Press.

مآخذ برخط

سامانه دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی (Dadegan.apll.ir)

VICAV: Vienna Corpus of Arabic Varieties (<https://vicav.acdh.oeaw.ac.at>)

